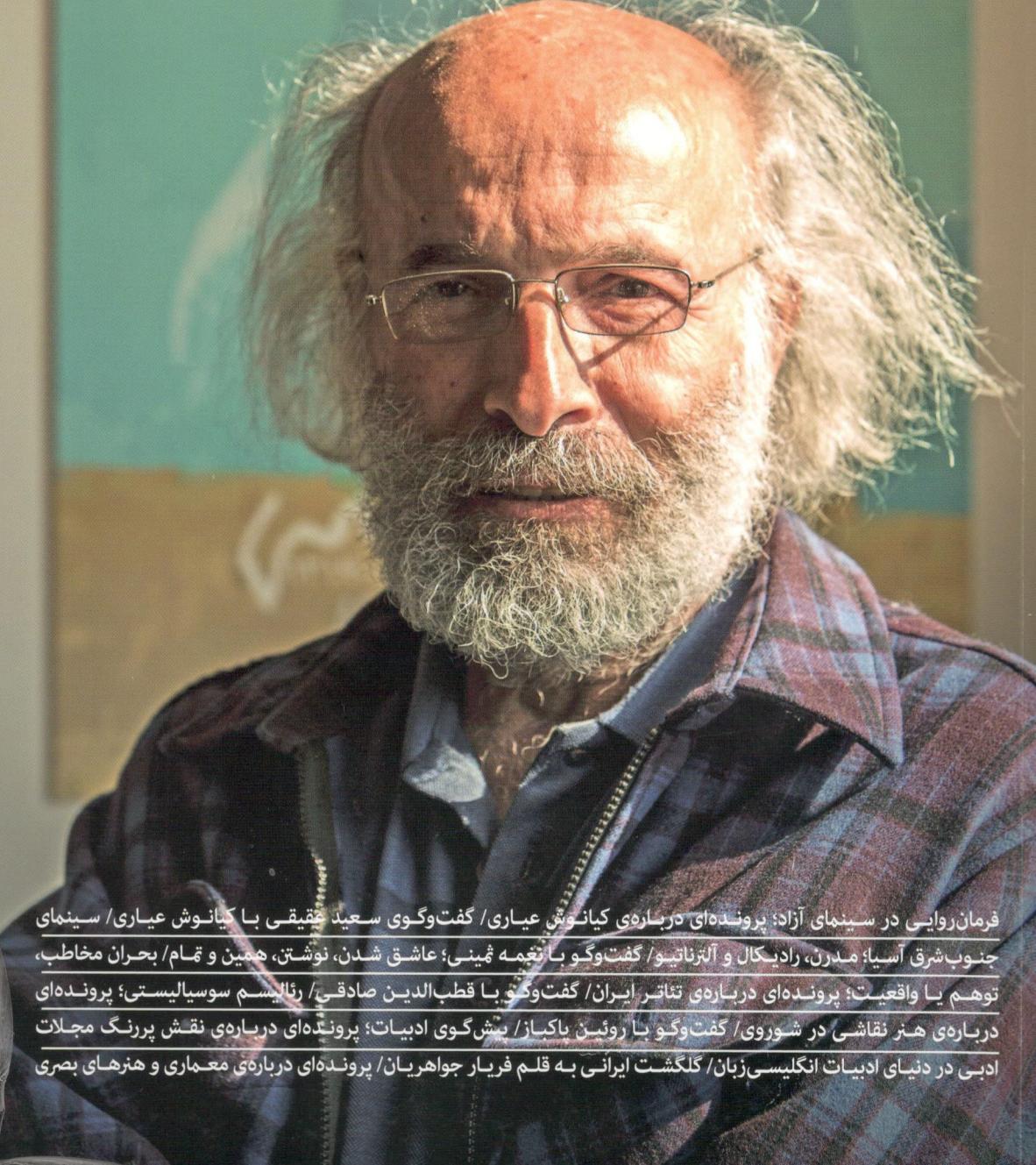


شیوه

SHIVEH Bimonthly December 2017 / January 2018

دوماهنامه‌ی تخصصی هنر. آذر و دی ۹۶ ۱۵۰۰۰ تومان



فرمان‌روایی در سینمای آزاد؛ پرونده‌ای درباره‌ی کیانوش عیاری / گفت‌وگوی سعید حقیقی با کیانوش عیاری / سینمای جنوب شرق آسیا؛ مدرن، رادیکال و آلت‌نایو / گفت‌وگو با تهمهٔ ثمینی؛ عاشق شدن، نوشتن، همین و قام / بحران مخاطب، توهם یا واقعیت؛ پرونده‌ای درباره‌ی نثار ایران / گفت‌وگو با قطب الدین صادقی / رئالیسم سوسیالیستی؛ پرونده‌ای درباره‌ی هنر نقاشی در شوروی / گفت‌وگو با روفین پاکیاز / مش‌گوی ادبیات؛ پرونده‌ای درباره‌ی نقش پرنگ مجلات ادبی در دنیای ادبیات انگلیسی‌زبان / گلگشت ایرانی به قلم فریار جواهربان / پرونده‌ای درباره‌ی معماری و هنرهای بصری

گلگشت ایرانی

● فریار جواهیریان

نیز در کنار بقیه موارد در خط مقدم دیپلماسی قرار دهد. این نمایشگاه که از یکسو آثار تاریخی مربوط به قرن‌ها پیش را نمایش می‌دهد و از سوی دیگر آثار هنر معاصر ایران را به نمایش می‌گذارد، در واقع از دریچه‌ای جدید فرهنگ غنی کشورمان را معرفی می‌کند و تصویری پیچیده از ارتباط آن با جهان به نمایش می‌گذارد. این نمایشگاه به واسطه‌های هنر، فرهنگ و ادبیات نشان می‌دهد که ایرانیان چه گونه مردمانی بوده و هستند.

بازدید از نمایشگاه هنر «گلگشت ایرانی» با دیدن آثار تاریخی در ساختمان شمس‌العماره آغاز می‌شود که در آن بینندۀ در آثار زیبای نگارگری و کاشی کاری، غنای گلگشت در فرهنگ ایرانی را می‌بیند. در بنای خوشید کلاه، آثار هنرمندان معاصر ایرانی دیده می‌شود. آثار ویدئو ارت و نمایشگاه عکس در طبقه‌ی زیرین عمارت بادگیر (عکاسخانه) به نمایش گذاشته شده و بخش‌های دیگر مثل عکس‌های تاریخی منتخب از آلبوم ناصری، عکس‌های هنرمندان معاصر و تعداد زیادی مینیاتور به نمایش درآمده است. تلاش شده تا تمام عنصر و اجزای نگارها به صور گرافیکی تحلیل شود و با وسایل دیجیتالی به طور واضح در مقایسه بزرگ نمایش داده شود؛

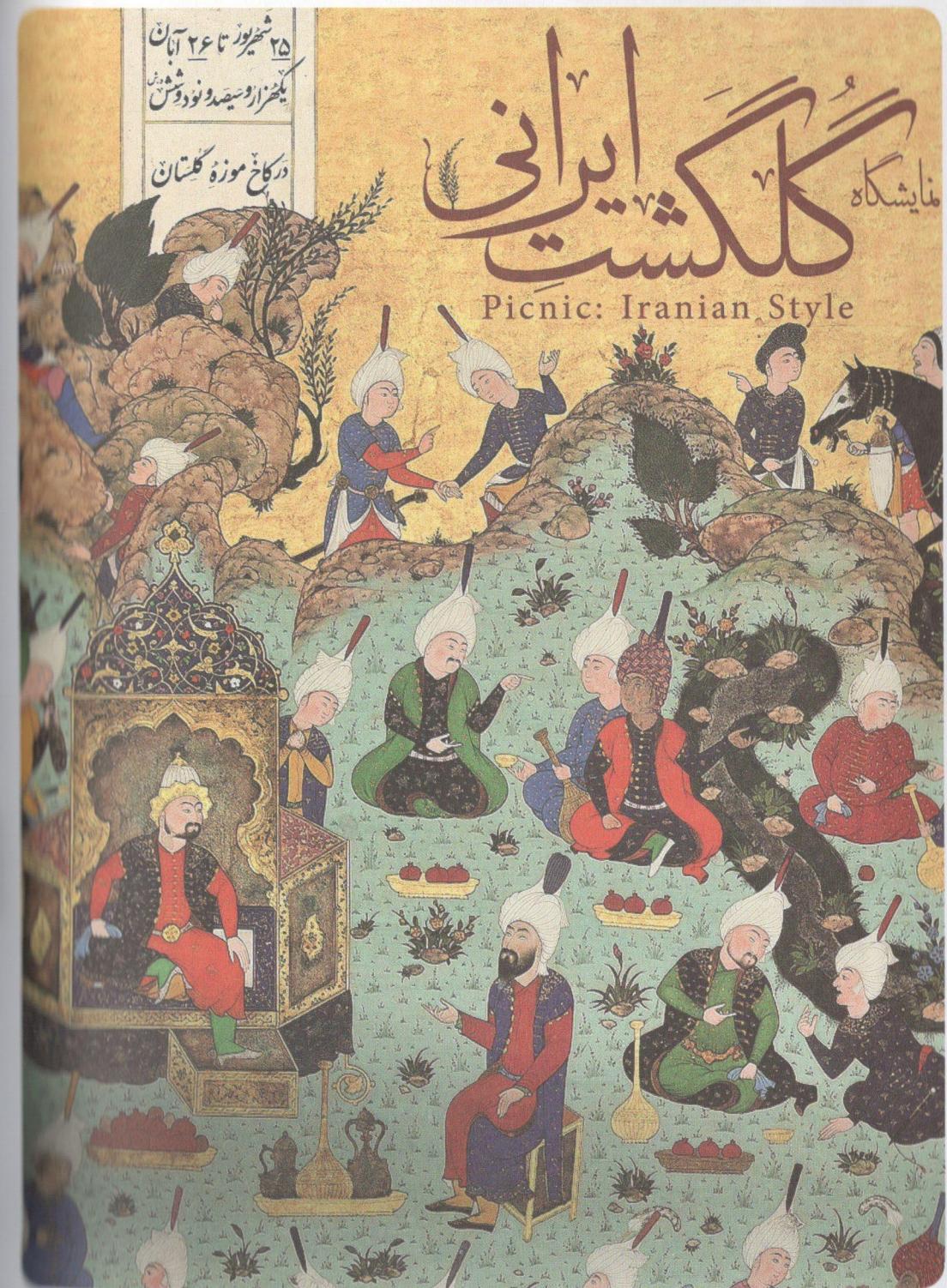
گلهای، گیاهان، درختان، حیوانات، وسایل طبخ، ابراز، چادرها، پارچه‌ها و فرش‌ها و دیگر لوازمی که در گلگشت ایرانی استفاده می‌شده است در این رویداد فرهنگی، بازدید کنندگان فرصت دارند تا گلگشت ایرانی را -هنرمندانه- تجربه کنند. در نمایشگاه «گلگشت»، آثار هنری دوران تمیزی، صفوی و قاجار که صحنه‌های گلگشت را ترسیم کرده‌اند، آثار معاصری با همین مضمون، روبروی هم قرار گرفته‌اند تا گفتوگویی چندبعدی از هنر ایرانی را موضع گلگشت به نمایش بگذارند. نمایشگاهی پر از نشاط و جشن و سور و کارزارش‌های خانواده دوستی، مهمان نوازی، طبیعت و غلام رامیستاید، ارزش‌هایی که در فرهنگ ماسابقه‌ای دیرینه‌دارند. پیدیده‌ی گلگشت یا «پیکنیک» از آنجا که با موضوع هایی چون تقریب و تفرج و بازی و گردش و شادخواری و خوش باشی سروکار دارد، چنان حائز اهمیت و لایق تفکر عمیق پنداشته نشده و از همین رو تاکنون کمتر مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. تهیه و تدارک، فعالیتها و آداب و رسوم مربوط به پیکنیک رفتن در

در فرهنگ ایرانیان، تناول در فضای باز، مراسمی کهن است که همواره به تصویر نیز کشیده شده است. پیشینه‌ی این سنت به سه هزار سال قبل بازمی‌گردد؛ از نخستین مراسم سیزده‌بهدر، تا گلگشت‌های شاد و فرح‌بخشی که توسط غلامان برای پادشاهان تدارک دیده می‌شد، و تا امروز که عشق و علاقه به پیکنیک کردن و خوردن در طبیعت باقی است. گشت‌وگذار و «گلگشت ایرانی» با «باغ ایرانی» ارتباط مستقیم دارد. در بیشتر موارد باغ بستر و زمینه‌ی پیکنیک است که خود نیز الگویی کهن از عالم مثال ایرانی است و نشانگر علاقه‌ی ایرانیان به طبیعت و لذت بردن از آن.

نمایشگاه «گلگشت ایرانی» در نوع خود بی‌سابقه است. در این نمایشگاه برای اولین بار از دیدگاه تاریخی، هنری و علمی، آینین پُراسقهه گشت‌وگذار و پیکنیک ایرانیان در طبیعت از خلل آثاری همچون کاشی کاری، سرامیک، نگارگری، پارچه‌بافی، فرش‌بافی، هنرهای صناعی گوناگون و عکاسی بازشناسی و بازخوانی شده، و در کتاب گلگشت/ایرانی، تمامی مستندات آن ارائه شده است.

کاخ گلستان یکی از مهم‌ترین کاخ‌باغ‌های دوره‌ی قاجار و در عین حال مثال خوبی از علاقه‌ی قاجاران به پیکنیک و لذت بردن از طبیعت است. هنگامی که شاه طهماسب، در سال ۱۵۵۴ میلادی، برای اولین بار از تهران دیدار کرد، این منطقه را چون رستایی فرح‌بخش و دلپذیر دید و تصمیم گرفت کاخی برای خود در آن سازد. این امر موجب شد تا مستسه‌ی اولیه‌ی ارگ تهران و ساخت اولین کاخ از مجموعه‌ی گلستان شکل بگیرد. اکنون از کاخ دوره‌ی صفوی چیزی باقی نمانده به جز چند درخت چنار که شاید متعلق به زمان شاه عباس باشد که دستور ساخت چهارباغ چنارستان را در محدوده‌ی بناهای صفوی این مجموعه داد. مجموعه در طول دوران زندیه گسترش یافت اما بیش ترین توسعه‌ی آن در زمان قاجار یود، تا این که به محدوده‌ی کنونی رسید. کاخ گلستان در واقع یک مجموعه‌ی تاریخی با پنج قرن سابقه است که در سال ۱۳۹۲ به عنوان میراث جهانی در یونسکو ثبت شد.

پس از سه ده تحریر، اکنون ایران در شرایط ویژه‌ی رویارویی دوباره با جهان قرار گرفته و باید مبادلات هنری و فرهنگی را





مرقع گلشن شماره ۲۱۹، اختصاراً ابوالحسن، تفرج در طبیعت، سده‌ی ۱۰ مق، نگاره‌ی آبرنگ، ۴۲×۲۶ سانتیمتر (کادر نگاره ۲۲۴×۳۷ سانتیمتر)

در نگارگری‌های دوره‌ی تیموری و صفوی هم شرح صحنه‌های گلگشت را به‌وفور می‌توان دید. «مرقع گلشن» مجموعه‌ای از ده‌ها مینیاتور با مضمون گلگشت است و وجود آن در مجموعه‌ی کاخ‌موزه‌ی گلستان یکی از دلایل من در انتخاب این موزه برای برگزاری نمایشگاه بود.

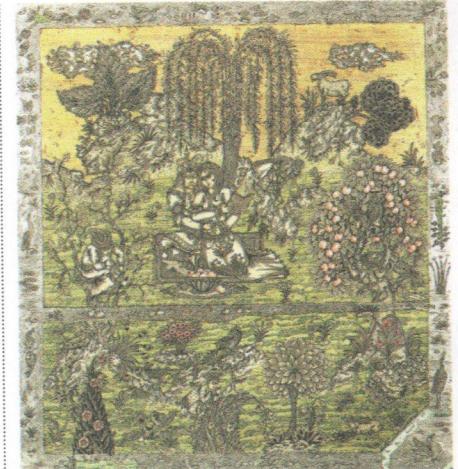
در اروپای قرن نوزدهم برخی پدیده‌ها به پیکنیک اعتبار پیش‌تری داد: افزایش شهرنشینی که همه را از طبیعت دور می‌کرد؛ صنعتی شدن کشورهای اروپا، که در مقابل با آن حرکت‌های سلامت‌سازی و طبیعت‌دوستی به وجود آمد؛ گسترش وسائل نقلیه، که به مردم امکان داد راحت به بیرون شهر سفر کنند؛ تقليل ساعات کاری که اوقات تفریح مردم را افزایش داد؛ و بالاخره ظهور مردم‌سالاری، شعار جمهوری فرانسه که در سه کلمه «ازادی، برابری و برادری» خلاصه می‌شود، به کمال در پیکنیک تبلور می‌یابد، زیرا طبیعت تفاوتی بین فقیر و غنی نمی‌گذارد و پیکنیک استعاره‌ی خوبی برای رسیدن به عدالت اجتماعی است، که این بیت:

بنام زم محبت که آن جا گذاشی به شاهی مقابل نشیند (طیب اصفهانی)

دقیقاً همان ویزگی‌های برابری و آزادی و محبت را در زم، که به احتمال زیاد باید پیکنیک باشد، نشان می‌دهد.

هم بعد مردم‌شناختی دارد و هم از لحاظ فضای و مکان حائز اهمیت است، به همین سبب برای مردم‌شناسان و عماران جاذبه‌هایی واقعی و پرمعنی دارد. گلگشت از جنبه‌ی زیبایی‌شناختی هم زوایای سیاری دارد که آن را شایسته‌ی تحقیق می‌سازد.

با بر فرنگ‌ها و تمدن‌های مختلف متفاوت است. پدیده‌ی پیکنیک تمامی رمان‌ها و نقاشی‌هایی که به پیکنیک می‌پردازند، نشان می‌دهند که انسان‌ها در جستجوی نوعی طرب و تفاوت هستند که از طریق درآمیختن با طبیعت به دست می‌آید. جهان طبیعت در برابر شهر که جهانی است مصنوع؛ پیکنیک استعاره‌ای از بازگشت به زندگی قبیله‌ای و سحرانشیستی است. رفتن به پیکنیک، یا گلگشت، تلاقی و تجمع همه‌ی لذت‌های جسمانی و معنوی است. اگر خودن غذا نیازی روزمره است، در پیکنیک به تجربه‌ای فرج‌بخش و استثنایی تبدیل می‌شود، زیرا با پارهای از طبیعت می‌آمیزد. مهم‌ترین وسیله‌ی پیکنیک سفره‌است که بر فرش، گلیم یا پتو، روی زمین پهنه می‌شود. سفره است که فضای پیکنیک را تعریف می‌کند، زیرا همگان دور آن می‌نشینند. سفره هم نماد نزدیکی انسان با طبیعت است — زیرا روی زمین پهنه می‌شود — و هم نماد مهمنان نوازی و سخاوتمندی، و شراکت و گشودگی به روی دیگران. فرهنگ‌های مختلف در برگزاری مراسم پیکنیک و انتخاب مکانی مناسب معيارهای خاص خود را دارند. بنابراین سازمان‌دهی پیکنیک در هر فرهنگ متفاوت است. در کشورهای جهان تمدن ایرانی و بهخصوص در خود ایران مبدأ پیکنیک به



◆ على ابر صادقی، باغ عشق، ۱۳۸۹-۱۳۵۶، مرکب، آکریلیک، ورق نقره و طلا روی بوم چهارته، ۱۸۰×۱۸۰ سانتیمتر، مجموعه‌ی شخصی

فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف متفاوت است. پدیده‌ی پیکنیک هم بعد مردم‌شناختی دارد و هم از لحاظ فضای و مکان حائز اهمیت است، به همین سبب برای مردم‌شناسان و عماران جاذبه‌هایی واقعی و پرمعنی دارد. گلگشت از جنبه‌ی زیبایی‌شناختی هم زوایای سیاری دارد که آن را شایسته‌ی تحقیق می‌سازد.

با بر فرنگ‌ها و تمدن‌های مختلف متفاوت است. پدیده‌ی کاربرد کلمه‌ی مرکب پیکنیک (PIQUE-NIQUE) در زبان فرانسیس و در قرن شانزدهم مشاهده شده است که گمان می‌رود به معنای «دانگی دور هم غذا خوردن» باشد. اما در دوستان هم مراسمی مشابه پیکنیک وجود داشته است، مانند «سمپوزیوم» یا «بنکوئت» در بونان باستان، و سیزدهمین در ایران باستان.

واژه‌ی «پیکنیک» از زبان فرانسیس به سایر زبان‌ها راه یافت و در فارسی هم جای خود را باز کرد. تاجیکی که مشتقات و ترکیباتی چون «گازر پیکنیکی» هم از آن ساخته شده. در تلاش برای یافتن واژه‌ای فارسی بودم که نازی عظیماً بالشاره به این شعر حافظه،

به ساقی می‌یابی که در چنت نخواهی یافت
کنار آب رک آیاد و گلگشت مصلی را

واژه‌ی گلگشت را پیشنهاد کرد، در کتاب‌های تاریخ غرب به ندرت اشاره‌ای به پیکنیک شده است، در حالی که تاریخ‌نگاران ایرانی به تفصیل سفرها و پیکنیک‌های شاهان را توصیف کرده‌اند، از جمله شرح پیکنیک‌های ناصرالدین شاه که اعتمادالسلطنه، و قایق نگار شاه، آن‌ها را با تمام جزئیات وصف کرده است.



◆ فرح اصولی، مانه و من، ۱۳۹۳، گواش روی مقواه ضخیم، ۷۵x۱۱۰ سانتیمتر، مجموعه‌ی شخصی

Persicanus ترکیب شده‌اند. اهمیت دوم این نمایشگاه قرار دادن

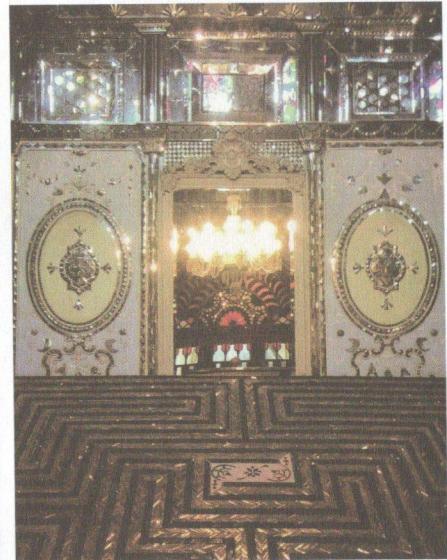
آثار تاریخی و معاصر در برابر هم و ایجاد گفتگویی جدید، پویا و زنده است. اهمیت سوم نمایشگاه نشان دادن تنوون تولید هنری ایران با موضوع پیکنیک است، چه تاریخی (نگارگری سرامیک)، نقاشی رنگ روغن، عکاسی، چیدمان، ویدیو آرت...).

هدف این نمایشگاه عیان ساختن قدمت و اهمیت رسم پیکنیک است که جنبه مهمی از فرهنگ و تمدن جهان ایرانی است. این نمایشگاه چشم‌انداز و سیع تری از هنر و فرهنگ ایرانی را به مخاطبان خود عرضه می‌کند. با ادغام آثار هنری دوره‌های تاریخی و آثار معاصر، دیدگاه جدیدی از تابلو فرهنگ و هنر ایرانی به دست می‌آید و نیز معلوم می‌دارد که در جهان هنر معاصر ایران، گلگشت چه جایگاهی دارد. جایگاه پیکنیک در فرهنگ ایرانی و اهمیت آن در خاطره‌های شخصی ما، آشنایی با آثار هنری که به این امر پرداخته‌اند و بیوندین زمان معاصر و دوره‌های تاریخی ما، از هدف‌های مهم این نمایشگاه هستند. پیکنیک رویدادی است که انسان را به طبیعت و صلح می‌کند. دور سفره‌ی پیکنیک اختلاف‌های اجتماعی، سیاسی و حتا خانوادگی رنگ می‌باشد و افراد در قالب جمع، روزی را را افریده است و این رابطه‌ی خاص با جهان رستنی‌هار در کشورهای عربی کمتر دیده می‌شود، زیرا نیمی از اسامی رستنی‌ها با پسوند

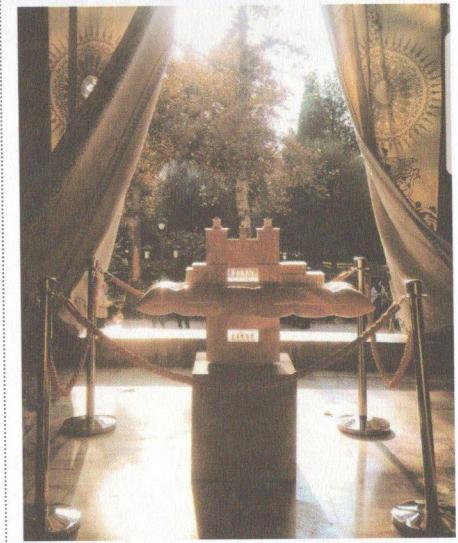
سیزدهمehr بازمی‌گردد که آداب و رسوم خاص خود را داراست. امروزه سیزدهمehr بخشی از مراسم نوروزی ما ایرانیان محسوب می‌شود و این پیکنیک عظیم نقطه‌ی پایان دو هفته‌ی جشن و سرور، دیدویازدید و سپری کردن اوقات خوش با خانواده و دوستان است. اهمیت واقعی سیزدهمehr را به عنوان رویدادی هویت‌بخش هنگامی درک می‌کنیم که می‌بینیم مهاجران ایرانی در سراسر جهان، از خاور دور و تزدیک و آسیای میانه تا اروپا و استرالیا و آمریکا آن را برگزار می‌کنند و عموماً می‌توان گفت که ایرانیان گلگشت و رفتن به طبیعت و باغ و دشت را دوست دارند.

در سرتاسر جهان، تنها مردمان سه تمدن بر سفره‌ای که روی زمین پهن می‌کنند غذا می‌خورند: ایرانی، هندی و عرب. همه‌ی فرهنگ‌های غربی از زمان باستان بر سر میز و صندلی غذا می‌خوردند. همه‌ی اثاثه و مبلمان «سخت» از غرب وارد ایران شد در صورتی که در فرهنگ ما اثاثیه خانه‌ای خانه‌ای همچون «ترم» بود، مثل تشك، لحاف، بالش، پتو، فرش و... حتا در مهمانی‌های شاهانه‌ای که کمfer ترسیم نموده یا در میتابورهای دوره‌ی صفوی، سفره‌ای روی زمین پهن است و همه‌ی دور آن نشسته‌اند. در فرهنگ‌های چینی-ژاپنی-کره‌ای مردم گاه روی زمین و گاه روی تشکچه نشسته‌اند، اما غذا را روی میزهای پایه کوتاه می‌خورند. بنابراین میراث معنوی پیکنیک متعلق به یکی از سه فرهنگ ایرانی، هندی یا عرب است که مایل ایرانی را صاحب آن بدانیم، زیرا دین رزنشتی یکی از طبیعت دوست‌ترین دین‌های دنیاست، که ستایش کننده‌ی طبیعت و تمامی عناصر آن و در هماهنگی با آن است و همچنین به این دلیل که احترام ایرانیان به طبیعت و کشف رمز و راز آن الگوی «باغ ایرانی» را دیده آورده است.

غیر از سیزدهمehr، پیکنیک رفتن در اوقات دیگر سال در ایران سیر تحول طبیعت را دنبال می‌کند. یکی از جالب‌ترین رسوم فرهنگی ما ایرانیان پهن کردن بساط پیکنیک در قبرستان‌ها یا مامازده‌هاست که به نوعی خوارک جسم تبدیل به غذای روح می‌شود. امیر «پیکنیک» در فرهنگ ما ایرانیان شکل‌های متعددی دارد: از اتریکنیک (سیزدهمehr) «گرفته و باغ رفتن برای میوه‌چینی تا مراسم عزاداری سرمزار و... شاید به همین دلیل است که تکوازه‌ای برای ترجمه‌ی «پیکنیک» نداریم، مسلمان‌های پیکنیک‌ها به نیت شادی برگزار می‌شوند شادی و طرب در آداب و رسوم ما ریشه‌های قوی دارد. اما غیر از این بعد شادمانی، پیکنیک بر روابط خانوادگی و اجتماعی هم تأثیر دارد و بر روحیه‌ی پیکنیک کنندگان اثر خوبی می‌گذارد. پیکنیک، در تمام سطوح جامعه، بیانگر تمنای آزادی است، «آزادی فضاه، آزادی رفتار، آزادی از همه‌ی بندنه‌ها». پیکنیک رویدادی است بسیار ساده و بسیار شعفانگیز. اصول خاصی ندارد که حتماً رعایت شود. مواقع اجتماعی ندارد. آداب رایج نزاکت و تعارف‌های



◆ هزار تو، منبر شاهروdi فرمانفرمانیان، ۲۰۱۴، آینه‌های کاری و نقاشی روی شیشه و گچ و جوب، ۱۲۷x۱۰۰ سانتیمتر، (عکس گرفته شده در تالار اصلی شمس العماره توسط کامبیز صفاری)



◆ کامبیز صفری، تاجیک که به باد دارم، ۱۳۹۱، فایبر گلاس، ۸۰x۸۰ cm، (عکس گرفته شده در ایوان شمس العماره توسط کامبیز صفاری)